

اوقاف ایران و مشکل پژوهش درباره آن

◀ نوشته بیرگیت هوفمان ▶

◀ ترجمه فرانک بحر العلومی ▶

بیانجامد. اموال وقفی، از سوی واقف به دست مباحثی مورد اعتماد (متولی) سپرده می شوند، که مسؤلیت نظارت بر اجرای صحیح شرایط وقف، اداره امور اجرایی، اداره املاک (اجاره املاک وقفی، رسیدگی به حسابها، تقسیم درآمد برای امور خیریه) را برعهده دارد. یک متولی همچنین در مقابل قاضی یا دیگر مقامات قضایی مذهبی پاسخگو و مسؤل شناخته می شود.

در قرآن از موضوع وقف ذکری به میان نیامده است. حقوق دانان کوشیده اند بر اساس احادیث موجود منشأ اولیه آن را به زمان حضرت محمد (ص) و خلفان نسبت دهند. تثبیت قوانین حقوقی مربوط به وقف به قرن دوم هجری هشتم میلادی باز می گردد. در قرون بعد، بنیادهای خیریه مذهبی (اوقاف)، در سراسر جهان اسلام، از مراکش تا اندونزی بسیار سریع گسترش یافت.

در دوران متأخر هزینه بسیاری از نهادهای مذهبی و اکثر نهادهای خیریه، از آنجا که برای شهرهای بزرگتر جزو ملزومات بودند، از محل عایدات وقفی پرداخت می شده

در قوانین حقوقی اسلامی، یک «بنیاد خیریه مذهبی» (به عربی وقف؛ جمع آن: اوقاف) بدین گونه پدید می آید، که فردی آزاد، حقیقی یا حقوقی، از بخش کاملاً مشخصی از دارایی خود برای همیشه چشم پوشی کند و عواید آن را به موقوفه (جمع آن: موقوفات) واگذار کند و به مصرف اهداف خیریه و مذهبی مشخصی برساند. این اموال که برای همیشه به مالکیت خداوند در می آیند و از هر گونه دخل و تصرف و اعمال تجاری مستثنی شده و املاک موات محسوب می شوند و از آنجا که باید منبع درآمدی نیز باشند، معمولاً شامل املاک کشاورزی یا تجاری، خانه اجاره ای، دکان، آسیاب، حمام و غیره هستند. هدف مشخص این عمل خیر، رضای خداوند (قربه) است که بدین طریق واقف، پاداش کار خیر خود را در آخرت دریافت خواهد کرد. هر کاری می تواند به عنوان وسیله ای برای جلب رضایت خداوند در نظر گرفته شود، هر آنچه پرستش خداوند را امکان پذیر سازد یا مناسب اموری باشد که موجب گسترش دین و گرویدن به آن باشد و همچنین اموری که به کاهش فقر و نیاز مادی

● مشخصات مقاله حاضر این است:
Hoffmann, Birgitt, "Die islamischen "frommen Stiftungen" und Probleme ihrer Erforschung in IRAN", Forschungs Forum, Heft 2/ 1990/pp.117-122.

است. ساخت، تجهیز و بهره‌برداری از مساجد، مدارس قرآنی، مدارس عالی مذهبی، خانقاه‌های دراویش و نیز بازسازی، نگهداری و مرمت امکانات جنبی (مانند چشمه‌ها، حمام‌ها، محلهای قضای حاجت)، از اهداف عمده اوقاف بوده‌اند، تهیه محل اقامت برای زائران و مسافران یا برای سادات و نیز بیمارستان و دارالمساکین‌ها نیز عمدتاً بر عهده اوقاف بوده است. اداره سیستم آموزشی، بدون استفاده از درآمدهای وقفی، به هیچ وجه قابل تصور نبوده است، چرا که عواید وقفی نه تنها صرف تهیه فضای لازم آموزشی می‌شده است، بلکه همچنین اغلب برای مواد آموزشی و معلمان و نیز برای هزینه‌های دانش‌آموزان و دانشجویان به مصرف می‌رسیده‌اند. مکان‌های مذهبی مهم مانند مکه و مدینه، مقابر امامان شیعه (نجف، کربلا، کاظمین، مشهد، مزار شریف) و آرامگاه‌ها و مقابر دیگر مقامات مذهبی همواره دارای املاک وقفی وسیعی بوده‌اند. همچنین از محل درآمدهای وقفی، بیوگان، یتیمان و دیگر افراد نیازمند سرپرستی و حمایت می‌شده‌اند. اختصاص درآمدهای وقفی برای هزینه‌های تحصیلی و دیگر نیازهای نوادگان پیامبر-سادات-صرف نظر از اینکه آیا نیازمند بوده‌اند یا خیر، عملی بسیار شایسته محسوب می‌شده است. هدف اصلی استفاده از درآمدهای وقفی در خارج از شهرها، خیابان‌ها، پل‌ها، حفاظت از راه‌ها به وسیله قراولان دیده‌بانی، ساخت و نگهداری کاروان‌سراها و نیز تهیه و نگهداری تجهیزات آبیاری برای مقاصد کشاورزی بوده است. این بدان معناست که بخش عمده‌ای از هزینه بناهای عام‌المنفعه نه بر دوش مسؤولان دولتی یا اجتماعی -حتی در صورت موجودیت آنها- بلکه تا حدود زیادی بر عهده واقفان بوده است.

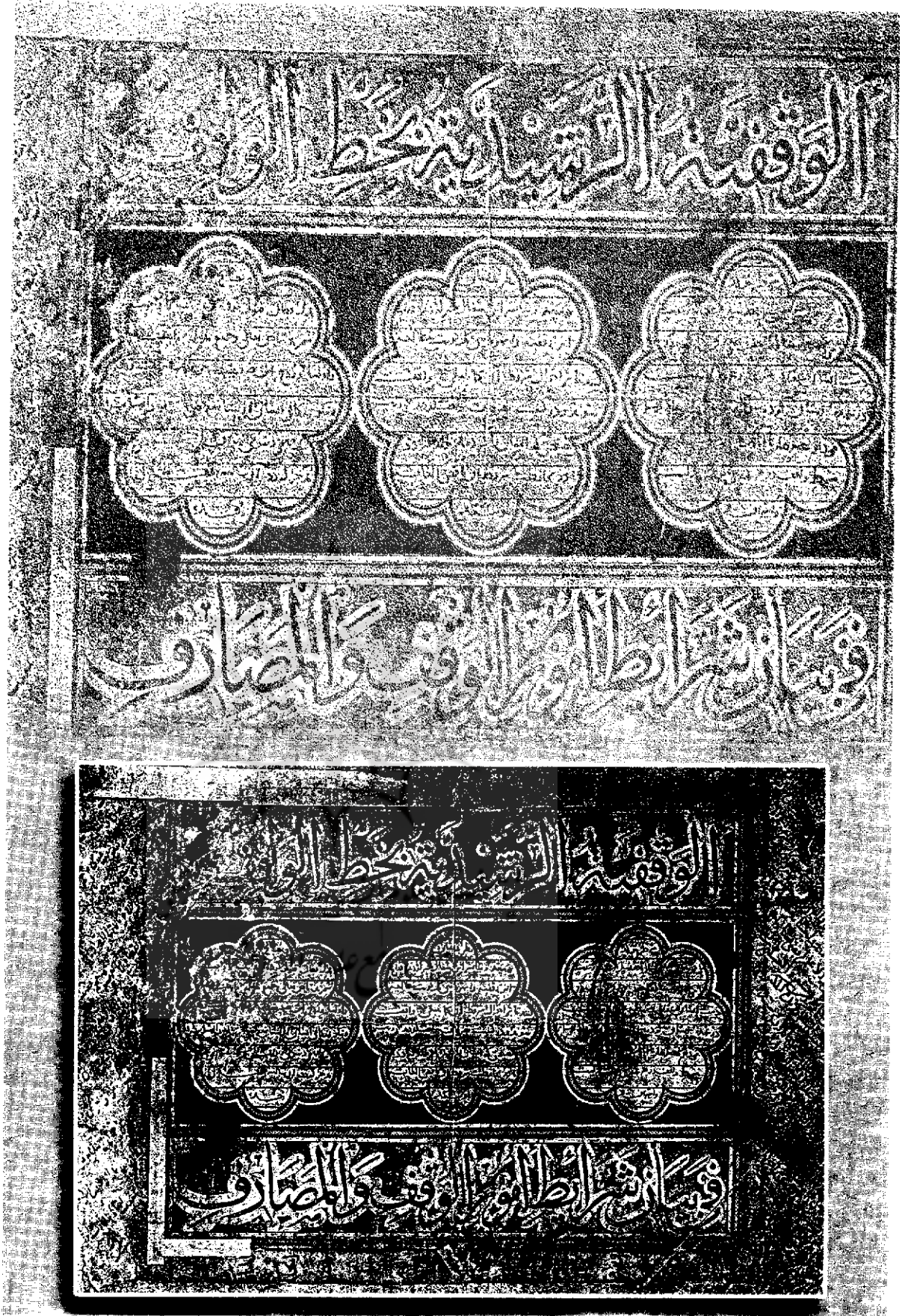
در کنار موقوفاتی که عایدات آنها به مصارف عمومی می‌رسند (وقف عام) نوع دیگری از وقف، یعنی وقف فامیلی (موسوم به وقف خاص) وجود دارد. در مورد اخیر، واقف خود یا بستگانش و نیز فرزندان نسل‌های بعد را به عنوان استفاده‌کننده از درآمدهای وقفی معین می‌کند. فقط هنگامی که دیگر فردی از نسل‌های بعدی خانواده زنده نباشند، منافع حاصل از وقف برای مستمندان یا دیگر اهداف خیریه یا مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرد، که البته این امر برای اعتبار قانونی بخشیدن به یک وقف غیرقابل چشم‌پوشی است. افرادی از خانواده که از عایدات وقفی بهره می‌گیرند، لازم نیست که حتماً مستمند یا فقیر باشند. به نظر می‌رسد که این نوع استفاده شخصی با سعی در جلب رضایت خداوند در تضاد باشد. اما در این شکل از موقوفات، بازتاب نوعی روابط خیریه دیده می‌شود. بدان گونه که در بسیاری از سوره‌های قرآن و سنت پیامبر بیان شده است. در این منابع، حمایت

مادی سخاوتمندانه از افراد خانواده و بستگان (اصلاً ارحام) همواره توصیه شده است درست همان گونه که دادن صدقه و دیگر اعمال خیر جزو اموری محسوب می‌شوند که مؤمنان را در روز جزا از عقوبت الهی حفظ و با این اعمال به آنها وعده پاداش خیر در روز قیامت داده شده است.

این نکته نیز به طور قطع در محبوبیت و رواج وقف خاص سهم مهمی داشته است که با کمک آن، دور زدن قوانین اسلامی امکان‌پذیر بوده است. این نوع وقف با برقرار کردن نوعی قواعد ارث اجباری یا درآمدهای ثابت، دخل و تصرف‌های عدوانی از طریق قانون ارث را به طور ظریفی محدود می‌کند. یک وصیت‌نامه می‌تواند به نفع کسانی که شرعاً ارث نمی‌برند نیز تنظیم شود و حداکثر می‌تواند یک سوم دارایی را در بر گیرد. بقیه دارایی باید طبق قوانین ارث، بین کسانی که در قرآن از آنها نام برده شده و دیگر وارثان تقسیم گردد. به این ترتیب دارایی فرد به شدت پراکنده می‌شود.

قوانین پیچیده‌ای که سرنوشت ارثیه و عایدات آن را مشخص می‌کند، در بعضی موارد شامل افرادی که چه بسا ارث گذارنده، ترجیحاً تمایل به تأمین هزینه زندگی آنها داشته است نمی‌شود. مثلاً نوه یتیم پسری فرد میراث‌گذار، مادامی که حتی یک عموی او در قید حیات باشد از ارث بهره‌ای نمی‌برد. اما به عکس برای کسانی که در یک وقف خانوادگی سهم هستند، چنین محدودیت‌هایی از نظر وارثان یا تقسیم درآمدها وجود ندارد. واقف می‌تواند به طور مثال عایدات وقفی را به پسرانش یا حتی فقط به یکی از آنها اختصاص دهد، بدون آنکه حق دختران خود را رعایت کند. فرد [واقف] می‌تواند عایدات وقف را صرف نوه‌های یتیم خود کند، حتی هنگامی که هنوز پسران واقف زنده باشند. وی حتی می‌تواند قوانین وقف را در مورد فرزندان و نوادگان به دنیا نیامده خود برقرار سازد. مزیت دیگر این نوع وقف در آن است که واقف می‌تواند افرادی را به عنوان استفاده‌کنندگان از درآمدهای وقفی معین کند که طبق قوانین مذهبی جزو ورثه به حساب نمی‌آیند مانند بردگان آزاد شده.

نوع سوم از وقف، ترکیبی از دو صورت یادشده قبلی است، که در این نوع، بخشی از درآمد وقف به موقوف علیهم و بخش دیگر به صورت بی‌واسطه به اهداف اجتماعی و خیریه اختصاص می‌یابد. در این نوع وقف، عایدات وقفی می‌تواند به نسبت‌های کاملاً متفاوت تقسیم شوند (یعنی در موارد افراطی، واقف بیشترین بخش درآمد را به خود و خانواده‌اش اختصاص دهد که در این صورت برای امور خیریه فقط بخش بسیار کوچکی باقی می‌ماند). البته بنیادهای خیریه مذهبی عمومی (موقوفات) برای



صفحه‌ای از وقفنامه ربیع رشیدی
ماخذ: وقفنامه ربیع رشیدی...
چاپ عکسی، انجمن آثار ملی، تهران،
۱۳۵۰. ص ۳۹۱ و ۳۹۲

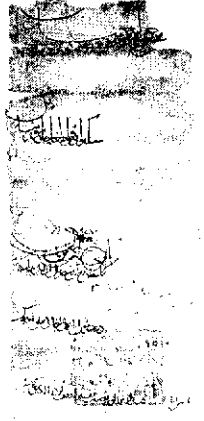
وسیله آن، افرادی معین و خانواده آنان را از حقوق و امتیازات خاصی برخوردار سازند. گروه‌های اجتماعی که طی نسل‌های متمادی بیشترین استفاده را از درآمدهای وقفی داشته‌اند، عمدتاً مقدسین یعنی علما، فقها، سادات و شیوخ متصوفه بوده‌اند.

در موارد نه چندان نادری، تمام یا بخشی از درآمدهای اوقاف دارای مصونیت دولتی بود. دولت به نفع موقوفات از بخشی از درآمدهای مالیاتی خود صرف نظر می‌کرد و سود حاصل از این معافیت‌ها توسط متولی و طبق نظر او هزینه می‌شد، بدون آنکه وی در مقابل نهادهای مالی دولتی یا مقامات اجرایی حکومتی مسؤول و پاسخگو باشد امری که برای یک متولی فاسد (اختلاس‌کننده، رشوه‌خوار)، منبع درآمدی پر منفعت بود. با توجه به اختیارات وسیع و موروثی بودن منصبش یک متولی می‌توانست بدون حکم قانونی، در واقع مالک رقبات وقفی باشد و در مقابل اجاره‌داران در واقع چنین نقشی را بازی کند.

وقف وسیله‌ای انعطاف‌پذیر در دستان واقف بود، «برگ‌برنده‌ای» که وی با آن اهداف مختلفی را دنبال کرده و آنها را با یکدیگر مرتبط می‌ساخت، دارایی خود را از قطعه قطعه شدن و مصادره نجات می‌داد، آینده مالی خود و خانواده‌اش را تأمین می‌کرد، برای دولت منبع درآمد مالیاتی می‌شد، ایمان مذهبی خود را به شکل مشخصی بیان می‌کرد، برای خود به عنوان واقف شهرتی کسب می‌کرد، برای

تأمین رفاه خانواده واقف نیز مناسب بوده‌اند، آن گونه که واقف می‌توانسته خود، و برای زمان پس از مرگش اخلاف خود را به عنوان متولی موقوفات تعیین کند. قاعده‌ای که اگر واقف صاحب فرزندی بود، اجرا می‌شد. متولی، برای انجام خدمات خود از محل درآمدهای وقفی حق التولیه دریافت می‌کرد. ده تا پانزده درصد عواید حاصله، نرخ معمول بود، اما درآمد متولی می‌توانست بسیار بیش از این باشد. واقف همچنین می‌توانست افراد خانواده خود را از محل عایدات وقفی، به شغل‌ها و مناصب مناسبی بگمارد، مثلاً در اداره امور املاک وقفی به عنوان ذی حساب مالی، ناظر، یا در صورت داشتن تخصص و دانش لازم در محل‌های مناسب (مثلاً به عنوان پیش‌نماز یا واعظ مساجد وقفی، به عنوان مدرس در مدارس مذهبی و غیره). در شرایط وقف، همواره این نکته در نظر گرفته می‌شود که عواید وقفی ابتدا مصروف هزینه‌های جاری برای حفظ و نگهداری رقبات وقفی و هزینه‌های کارمندان گردد و در مرحله بعد به مصرف دیگر امور پیش‌بینی شده برسد. به این ترتیب امکان دارد که کلیه عواید وقفی صرف هزینه‌های جاری شده و برای دیگر افراد استفاده‌کننده از درآمدهای وقفی، چیزی باقی نماند.

برای حکمرانان و دیگر صاحب‌منصبان غیر مذهبی (وزرا، امرا، حاکمان شهرها و...) تفویض منصب متولی و دیگر مناصب که تصدی آنها نیز در اداره امور وقف یا در نهادهای وابسته به آن موروثی بود، دست‌آویزی می‌شد که به



از آسارا تا آستارباد

جلد ششم

شماره اسناد تاریخی گرگان

گردآوری

مهرپرستود

سج ذبیحی

تاریخچه
اوقاف اصفهان

بمقدم
عبدالمجید سپینتا

از انتشارات
اداره کل اوقاف منطقه اصفهان

۴ آبان ۱۳۴۶



سیاسی-نظامی حکمرانان در معرض تغییرات سریع سیاسی، بخصوص از سوی چادر نشینان صحراگرد (عمدتاً ترکان، و نیز مغولان) که به صورت قبایل متحد شده بودند قرار داشت. این پادشاهی‌ها و سلسله‌های حکومتی، پس از مدت نسبتاً کوتاهی، فروپاشیده و نابود می‌شدند. دولت صفویان با حدود دوسده حکومت (۱۵۰۱-۱۷۲۲ میلادی)، با فاصله زیادی از دیگر سلسله‌های حکومتی، طولانی‌ترین ساختار سیاسی طی هزار سال گذشته در تاریخ ایران بوده است.^۴ در طی زمان شهرهای مختلفی به عنوان مقر حکومتی و پایتخت انتخاب شدند. همه این شرایط به عنوان موانع در مقابل گردآوری مداوم و بی‌وقفه، و نگهداری اسناد عمل کرده‌اند. علاوه بر از بین رفتن «عادی» اسناد در جریان جنگ‌ها^۵، نابود کردن آگاهانه بایگانی‌ها نیز در طول تاریخ رخ داده است.^۶

با توجه به شرایطی که ذکر شد، نمی‌توان از تلاش هماهنگ برای جمع‌آوری روشمند و متمرکز اسناد موقوفات، و از انتشار و تجزیه و تحلیل آنها سخنی به میان آورد. البته همه اسنادی که باقی مانده‌اند نیز منتشر نمی‌شدند. بسیاری از آنها در کتابخانه‌ها و آرشیو‌هایی که به سختی قابل دسترس‌اند، نگهداری می‌شوند، مثلاً در کتابخانه سلطنتی سابق^۷، در کتابخانه‌های آستان‌های مقدس (مشهد و قم) و احتمالاً در سازمان اوقاف. بسیاری از اسناد در اختیار مالکان خصوصی است که به هر دلیل، از انتشار آنها ممانعت به عمل می‌آورند.^۸

گاه در نشریات تاریخ یا علوم انسانی ایران به اسناد کامل یا خلاصه‌های تهیه شده از آنها (موسوم به وقف‌نامه) که تعداد نسبتاً قابل توجهی از آنها در دست است، برمی‌خوریم.^۹ همچنین گزارش‌های علمی دولتی یا متعلق به سازمان‌های مختلف که در دهه‌های اخیر در ایران منتشر شده‌اند، در این رابطه بسیار غنی هستند. موقوفات متعدد پایتخت سابق صفویان، شهر اصفهان، در یک مجلد فهرست شده است.^{۱۰} لطف‌الله هنر فر نیز در تاریخ ابنیه اصفهان، نوشته‌های مربوط به موقوفات را که در نسخه‌های خطی و اسناد قدیمی یافت شده، ذکر کرده است.^{۱۱} مسیح ذبیحی و منوچهر ستوده در جلد‌های ششم و هفتم تاریخ شهر ستانهای مازندران تعداد قابل توجهی از اسناد موقوفات را ضبط کرده‌اند.^{۱۲} در تاریخ شهر تبریز که توسط محمد جواد مشکور گردآوری شده و تا قرن پانزدهم میلادی را در برمی‌گیرد، شهری که از اواسط قرن سیزدهم میلادی تا اواسط قرن شانزدهم میلادی تقریباً به طور مداوم به عنوان پایتخت مورد استفاده قرار گرفته، اطلاعات زیادی درباره اوقاف این شهر وجود دارد.^{۱۳} همچنین نوشته‌ها و منابع تصحیح شده توسط ایرج افشار درباره تاریخ شهر یزد و تحقیقات محمد ابراهیم باستانی

آخرت خود توشه‌ای می‌اندوخت و...، و البته همه اینها بسته به علایق خاص و دیدگاه واقف از ایمان مذهبی و سودجویی ماهیتی متفاوت داشت.

تحقیقات درباره ساختار وقف در مناطق مختلف جهان اسلام، به طور متفاوتی پیشرفت کرده است. در جایی که برای مدت زمان طولانی، یک نهاد مسوول دولتی متمرکز با عمل کرد مناسب همراه با شعبات محلی کارآمد وجود داشته است، وضعیت منابع (اسناد موقوفات، فهرست موقوفات، پرونده‌های قضایی) اکثراً بسیار مناسب هستند و حتی پیش‌نیازهای لازم برای بررسی‌های تحلیلی را نیز عرضه می‌دارند. مثالی در این مورد، قلمرو حکومت عثمانی است. در آنجا به فرمان سلطان سلیمان در قرن شانزدهم میلادی، فهرستی از موقوفات استانبول تهیه شد، فهرستی که به نوبه خود ۲۴۹۰ مورد را در بر می‌گیرد.^{۱۴} در ترکیه منابع و مصالح چنان غنی‌اند که از سال ۱۹۳۸، یک نشریه تخصصی (به نام Vakfilar dergisi) منتشر می‌شود که به موضوع موقوفات و بنیادهای خیریه مذهبی می‌پردازد. منابع مربوط به اوقاف در زمان مملوکان و مصر دوره عثمانی نیز در مقایسه مناسب هستند.^{۱۵}

منابع درباره ماهیت و ساختار موقوفات در ایران برعکس موارد قبل بسیار پراکنده و ناهمگون هستند، که در ادامه بدانها پرداخته می‌شود.^{۱۶} فلات ایران در طی لشکرکشی‌ها، با خاک یکسان شدن‌ها و کشمکش‌های مدام



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

وقنامه ربع رشیدی

الوقیة الرشیدیة پنجاه الواقف فی بیان شرایط انوار الوقت العسوات

تر

رشیدالدین فضل‌الدین ابوالخیر بن علی النعمانی

مشتبه به رشید البیاض

چاپ مروقی از روی نسخه اصل

بکوشش

حجتی‌نوی ایچ افشار

با همکاری عبدالمعلی کاکانک و تصحیح قسمت مربوط به آذربایجان

تهران ۲۵۳۶

پاریزی درباره کرمان نیز حاوی گزیده‌هایی از اسناد و اشاراتی در زمینه موقوفات این شهرها هستند.^{۱۹}

پدیدآوردگان آثار درباره تاریخ محلی هر منطقه، خود را به انتشار اسناد وقف (اسناد موقوفات، فرمان‌های حکمرانان و نوشتارها) محدود نکرده‌اند، بلکه همچنین اطلاعات پراکنده‌ای را که در گروه منابع دیگر در زمینه اوقاف موجود بوده‌اند را نیز گرد آورده‌اند.

کتاب تاریخ، سفرنامه‌ها، شرح حال‌ها و کتب جغرافیایی به تصویر کم‌رنگی که می‌توانیم از ساختار وقف در ایران داشته باشیم، حداقل در مواردی غنا و عمق می‌بخشند. این آثار، بیش از همه درباره موقوفات مشهور حکمرانان منفرد و دیگر صاحب‌منصبان یا درباره موقوفات بارگاه‌های امامان شیعه و دیگر مقدسین که دارای موقوفات قابل توجهی هستند گزارش‌هایی می‌دهند.

در دفاتر اداره موقوفات یا در ضمایم آنها و نیز در مجموعه‌های نمونه اسناد (کتاب انشا) که برای تربیت منشیان دیوان‌های قضا مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند، مکرراً از موقوفات سخن گفته شده است، اغلب در رابطه با نمایندگان دولتی، مسائل فنی مالیاتی و دیگر سوالات مربوط به اداره امور. کتب مزبور نشان‌دهنده چگونگی روابط بین مقامات دولتی و اوقاف هستند یا اینکه حداقل نشان می‌دهند که این روابط در شرایط مطلوب چگونه باید می‌بود. نمونه‌های نوشتاری ذکر شده در کتب انشا نه تنها مبین روند اداری مسائل وقفی هستند بلکه اطلاعاتی درباره شیوه نوشتار آنها به دست می‌دهند. آن لمبتون، از این آثار و نیز از نوشته‌های تاریخی به مقدار معتنا بهی جزئیات درباره مسائل وقف استخراج کرده و سعی در مرتبط کردن آنها داشته است.^{۲۰}

منابع ادبی نیز تا حدودی به مسائل وقف می‌پردازند. این آثار یا بخشی از آنها اغلب به اشعار مدحی و ستایش‌های رسمی پرداخته‌اند و در آنها شاعر، نیات خیرخواهانه واقعی را که اغلب حامی اصلی یا پشتیبان شاعر بوده‌اند مدح می‌کند یا به ستایش عظمت موقوفات مورد بحث می‌پردازد.^{۲۱} یک مورد استثنایی، طبق اطلاعات نگارنده یک هجوتنامه چهارصد بیتی از قرن سیزدهم میلادی است که در آن اوقاف به عنوان امری ناسازگار با قوانین مذهبی و اختراع قضات مطرح است... و استفاده کنندگان از عواید اوقاف به عنوان افرادی نالایق، ناسزاوار و نکوهیده، مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. مطمئناً در این اشعار، برخی از جزئیات ناهنجار از مجموعه پایه اشعار هجوتیه سنتی و قیاحانه اقتباس شده است که باید به آنها بیشتر به چشم جزئیاتی که همیشه در این نوع اشعار ذکر می‌شود نگریست تا به عنوان واقعیات موجود، البته در کنار آن، وجود سوء استفاده از عایدات وقفی و دیگر اعمال فریبکارانه و خلاف، و دخل و تصرف‌های غیرقانونی

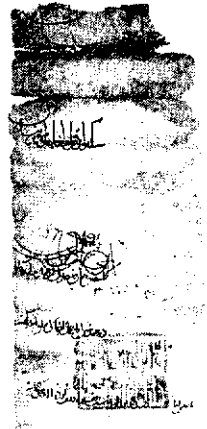
نیز^{۲۲} [در این اشعار بازتاب یافته‌اند].

تصویری که پس از در کنار هم قرار دادن اطلاعات پراکنده منابع مختلف، مانند قطعات یک کاشی معرق به دست می‌آید البته دارای ابهامات بسیاری است. تاکنون به زحمت تصویر دقیقی از اهمیت جایگاه موقوفات در زندگی سیاسی، اقتصادی و معنوی دوره‌های مختلف به دست آمده است. حتی مثلاً تخمین تقریبی نسبت رقبات وقفی به دیگر شکل‌های مالکیت زمین در ایران در یک دوره معین یا تعیین اینکه املاک دولتی مورد استفاده کسبه تا چه حد وقفی بوده‌اند، امکان‌پذیر نبوده است. نه رابطه متقابل وقف عام و وقف خاص به طور دقیق معلوم است و نه حدود علاقه افراد در هر دوره معین به وقف‌داری و املاکشان.

به نظر می‌رسد تحقیق درباره پدیده‌های مربوط به وقف که، در منابع به شکل قابل قبولی عرضه شده‌اند، نتایج بهتری به بار آورد. تحقیق درباره آرامگاه‌های مقدس که هزینه‌های آنها، در کنار درآمدی که از زیران به دست می‌آمده، عمدتاً از طریق موقوفات تأمین می‌شده، از این دست هستند. این مکان‌های مقدس، با همه تأسیسات جانبی آنها (مساجد، مدارس مذهبی، محل‌های بیتوته برای زائران یا سادات) طی قرون متمادی برپا باقی مانده‌اند. همچنین مناصب متولی، در دوره‌های طولانی در یک فامیل به صورت موروثی باقی مانده‌اند. به این ترتیب می‌توان تغییرات به وجود آمده در طی زمان را مشاهده و بررسی کرد.

یک کار تحقیقی بسیار جالب و آموزنده درباره تاریخ یک چنین مکان مقدسی و موقوفات آن را روبرت د. مک‌چسنی^{۲۳}، در پایان نامه دکترای خود درباره حرم حضرت اعلی (ع) در مزار شریف انجام داده است، این مکان در نزدیکی شهر قدیمی بلخ در ترکستان-افغانی امروزه واقع شده است. اولین گزارشات درباره انتقال پیکر [حضرت] اعلی (ع) از نجف در جنوب بغداد به شمال افغانستان، مربوط به قرن دوازدهم میلادی است. ولی پس از مطرح شدن دوباره آن در قرن ۱۵ میلادی، این محل به یکی از مراکز مهم زیارتی تبدیل شد، حاکم تیموری هرات، حسین بایقوری، موقوفات متعددی را به مزار شریف اختصاص داد. نام مزار شریف در دوره‌های بعدی ابتدا به آبادی که در این محل به وجود آمد اطلاق شد و این محل به سرعت یکی از مهم‌ترین مناطق آن محدوده شد. بعدها کل منطقه، مزار شریف نامیده شد.^{۲۴} اثر مک‌چسنی با جزئیات دقیق نشان می‌دهد چگونه تاریخ پانصد ساله این محل مقدس و سیستم اداری آن با پیشرفت‌های سیاسی-اقتصادی و اجتماعی در کل آن منطقه، در ارتباط تنگاتنگ بوده است.

از جمله مسائلی که مورد بررسی قرار گرفته است باید به تحولات به وجود آمده در رابطه با حفظ استقلال اداره امور





حمایت و پشتیبانی قرار گرفته باشند، به نتایج کاملاً متفاوتی دست یافته است.^{۲۷} خاندان صفوی نه تنها اموال فراوانی را وقف مشهد کرده‌اند، بلکه آنان همچنین در آن مکان به خاک سپرده شده‌اند. به این ترتیب آنها رسومی رازیر پا گذاشته‌اند که قرن‌ها قبل به وجود آمده بود و در نمونه تیریزی می‌توان آن را مشاهده کرد.

تبریز به عنوان پایتخت سلسله‌های متعدد (ایلخانان، قراقوینلوها، آق‌قوینلوها، و صفویان تا نیمه قرن شانزدهم میلادی) محل پریها و باشکوه موقوفاتی بود که رقبات آنها، حتی تا حدودی در کل شهر پراکنده بودند.

نقطه اوج همه این مجموعه‌های موقوفات - مانند همه مکان‌های مذهبی - آرامگاهی بود که نه فردی مذهبی و مقدس، بلکه یکی از قدرت‌های دنیوی در آن به خاک سپرده شده بود. ایلخان‌غازان (سلطنت ۱۲۹۵-۱۳۰۴م)، اولین حکمران مغول بود که به اسلام گروید و رسم مغولی به خاک سپرده شدن در محلی مجهول را، زیر پا گذاشت. به جای آن سنت مغولی، وی مجموعه موقوفاتی را، که برای آن زمان بسیار معظم بود، در تبریز به وجود آورد که در کنار دیگر رقبات، یک مسجد جامع، ۲ مدرسه مذهبی، یک بیمارستان، یک رصدخانه، یک کتابخانه، یک آب‌انبار، حمام‌ها و محلی برای اقامت سادات^{۲۸} رانیز در برمی‌گرفت.

وقف‌نامه اصلی این موقوفات در دست نیست اما رشیدالدین فضل‌الله وزیر در کتاب تاریخی که به فرمان‌غازان خان تهیه کرده، نه تنها به طور کامل و دقیق فهرست جزئیات همه موقوفات را ذکر کرده، بلکه همچنین دلایل وقف این موقوفات از نظر ایلخان را عنوان کرده است. دو چیز الهام‌بخش وی در پدید آوردن این مجموعه بوده است: آرامگاه تاریخی حکمران سلجوقی، سلطان سنجر در مرو و شهرهای مقدس مختلف به خصوص آرامگاه‌های مقدس شیعه در مشهد و نجف. غازان گفته بود که هر کس در چنین آرامگاه‌هایی به خاک سپرده شود، از مردگان نخواهد بود بلکه زنده‌تر از برخی از زندگان خواهد زیست. اگر چه خود ایلخان از افراد مقدس مذهبی نبود، اما تمایل داشت تا آنجا که مقدور بود از مقدسین پیروی کند.^{۲۹}

غازان هدف خود را با پشتکاری عظیم دنبال کرد و برنامه‌هایش را با به کار گماردن هزاران کارگر به پیش برد. هنگامی که داربست ساختمانی گنبد بزرگ فرو ریخت و تعداد زیادی از کارگران و حیوانات بارکش را در زیر خود مدفون ساخت، غازان دیگر زنده نبود، بلکه در محلی که قبلاً در نظر گرفته بود، به خاک سپرده شده بود. اینکه آرامگاه وی از این واقعه ناگوار کاملاً در امان ماند، به سرعت به عنوان یک معجزه تعبیر شد، چیزی که فقط مقدسین مذهبی قادر به انجام آن بودند.^{۳۰}

این مکان مذهبی از دیوان‌های دولتی و حکومتی از نقطه نظر روابط سیاسی متغیر، (و نیز سیاست فردی) متولیان و دیگر اداره‌کنندگان امور اوقاف و تغییرات و جابه‌جایی‌ها در روابط مالکیت که خود را در گسترش یا کاهش رقبات وقفی نشان می‌دهد^{۳۱}، اشاره کرد.

حسین مدرسی طباطبایی برخی از تحقیقات خود را به تاریخ مجموعه موقوفات قم، مکانی که [حضرت] فاطمه [معصومه]، خواهر امام هشتم شیعیان دوازده امامی، [حضرت] علی بن موسی الرضا [ع] به خاک سپرده شده، اختصاص داده است. حتی اگر بسیاری از اسناد مربوطه بویژه وقف‌نامه‌ها به طرز جبران‌ناپذیر گم شده باشند یا آنهایی که در مالکیت خصوصی خاندان‌های قدیمی هستند هنوز منتشر نشده باشند، با این همه وی اسناد بسیاری، که در بین آنها تعداد زیادی فرمان‌های حکمرانان نیز وجود دارد، منتشر کرده است. این تحقیقات که همراه با تصحیح متن اسناد به بازسازی تاریخ شهر قم پرداخته‌اند، به شکلی مؤثر اعتدالی شهر قم و تبدیل آن به شهری مذهبی را - شهری که پس از مشهد دومین شهر مذهبی با اهمیت ایران است - نشان می‌دهند.^{۳۲} در این فاصله همچنین اسنادی مربوط به دیگر مراکز مذهبی مانند آرامگاه شیخ صفی، جد پادشاهان سلسله صفوی در اردبیل یا آرامگاه شاه عبدالعظیم در ری در نزدیکی تهران منتشر شده‌اند که اطلاعاتی درباره نحوه اداره اوقاف و روابط مالی و دارایی آنها به دست می‌دهند.

علاقه شدید اکثر سلاطین و حکمرانان، از ایلخانان مسلمان شده (از زمان غازان خان؛ حک: ۱۲۹۵-۱۳۰۴م) تا زمان قاجاریه (۱۷۹۷-۱۹۲۵م)، به حمایت از مکان‌های مقدس، نمود خود را در سفرهای زیارتی به آرامگاه‌ها، کمک‌های نقدی سخاوتمندانه، تأیید حقوق قانونی مکان‌های مذهبی، بخشش‌های مالیاتی و ایجاد موقوفات جدید نشان می‌دهد. همه اینها، نه تنها اعمال منفرد خیریه و مذهبی بوده‌اند بلکه حرکاتی نمادین با نمودهای ظاهری حساب شده نیز محسوب می‌شوند. بین قم، مشهد و شاه از زمان به قدرت رسیدن صفویان (۱۵۰۱م)، رابطه‌ای تنگاتنگ وجود داشت، نکته‌ای که باعث به رسمیت شناخته شدن شیعه دوازده امامی به عنوان مذهب رسمی کشور شد. سفرهای زیارتی به مکان‌های مقدس و موقوفات آنها واقع در بقاع متبرکه امامان شیعه، موقعیت‌های خوبی بودند تا اعتقاد به مذهب جدید و طرفداری از آن را به شکلی شدیداً چشمگیر و جالب توجه استحکام بخشند.

مک چسنی موقوفات معروف شاه عباس را از نقطه نظر اهداف واقعی سیاسی و اعتقادی وی بررسی کرده و بسته به اینکه مثلاً مسجد شاه وی در اصفهان یا آرامگاه جدش شیخ صفی در اردبیل یا مکان‌های مقدس در اردبیل مورد

بی نوشت

۱. درباره مقدماتی از اصول حقوقی، آغاز و گسترش تاریخی ساختار وقف به این منابع مراجعه شود:

Krosmarik, Johann, "Das Wakfrecht vom Standpunkte des Sarifat- rechts nach der hanefitischen Schule. Ein Beitrag zum Studium des islamitischen Rechtes", Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft 45. 1891, pp. 511-576; Heffening, J., Wakf, Enzyklopaedia des Islam, Leiden- Leipzig, 1913, 1927-36, s.v.; Koprulu, Fuad, "L'Institution de Vakf et l'importance historique de documents de Vakf", Vakflar Dergisi, 1. 1938, Partie Francaise, pp. 3-9; Koprulu, Fuad, "L'Institution de Vakouf. Sa nature juridique et Son evolution historique", Vakflar Dergisi, 2. 1942, Partie Francaise, pp. 3-48; Schacht, Joseph, "Early Doctrines on Waqf", Fuad Koprulu Armagani / Melanges Fuad Koprulu, Istanbul 1953; CAHEN, Claude, "Reflexions sur le waqf ancien", Studia Islamica 14, 1961, pp. 37-56.

۲. نگاه کنید به سوره ۲ آیات ۸۳، ۱۷۷، ۱۸۰، ۲۱۵، ۲۶۱ و ۲۷۳، سوره ۴ آیات ۸ و ۳۶، سوره ۱۶ آیه ۹۰، سوره ۱۷ آیه ۲۲، سوره ۲۴ آیه ۲۲، سوره ۳۰ آیه ۳۸، سوره ۴۲ آیه ۲۳ و سوره ۷۰ آیه ۲۴.

برای توضیح بیشتر درباره امور خیریه نگاه کنید به:

Stillman, A., "Charity and Social Service in Medieval Islam", Societas 5. 1975, pp. 105-115.

۳. یک توصیف دقیق از قوانین اسلامی ارث در این منبع وجود دارد: Coulson, N. J., Succession in the Muslim Family, Cambridge 1971.

۴. نگاه کنید به:

Petrushevsky, I. P., "The Socio- Economic Condition of Iran under the Ilkhans", The Cambridge History of Iran, Bd. 5, Cambridge u.a. 1968, p. 517; Fragner, Bert G., "Social and Internal Economic Affairs", The Cambridge History of Iran, Bd. 6, Cambridge u.a. 1986, pp. 518-521.

5. Istanbul Vakiflari tahrir defteri 953 (1546) tarihli, edd. Omer Lutfi Barkan und Ekrem Hakki Ayverdi, Istanbul 1970; Barkan, Omer Lutfi, "Daftar-i Khakani", Encyclopaedia of Islam (2) s. v.

عربک:

Crecelius, Daniel, "The Organization of Waqf Documents in Cairo", International Journal of Middle East Studies, 2. 1971, pp. 266-277.

۷. اطلاعاتی درباره اوقاف در ایران در این منابع وجود دارد:

Lambton, Ann K. S., Landlord and Peasant in Persia", London 1953; Petrushevsky, I. P., "The Socio- Economic Condition of Iran under The Ilkhans", The Cambridge History of Iran, Bd. 5, Cambridge u.a. 1968, pp. 483-537; Fragner, Bert G., "Social and Internal Economic Affairs", The Cambridge History of Iran, Bd. 5, Cambridge u.a. 1968, pp. 519-520, به خصوص.

وی برای رفاه حال زایرانی که در آن زمان قصد زیارت مقبره او را داشتند عایداتی از موقوفات را برای بیتوته و دیگر هزینه های آنها اختصاص داد.^{۳۱} آن گونه که سفرنامه هایی از دوره های بعدی نشان می دهند، آرامگاه وی بدون زایر نامانده است و این زایران تحت تأثیر عظمت و شکوه بنا قرار گرفته بودند. به این ترتیب غازان به اهداف خود، که قسمت اعظم آن به خاک سپرده شدن در یک بنای مهم و کسب شهرت و جاودانگی بود رسید.^{۳۲} مسافران بعدی از تخریب دائمی و رو به تزاید بناها حکایت می کنند که البته به عنوان یک بنای مخروبه هنوز هم در آن زمان باشکوه و جلال به نظر می رسیده است. بالاخره در قرن هفدهم میلادی، بقایای این بناها برای همیشه تخریب می شود.^{۳۳}

حکمرانان بعدی سعی کردند که از غازان پیروی کنند و حتی سعی بر این داشتند که از او فراتر روند، همان گونه که وی در زمان خود تلاش کرد تا ابا ساخت بناهای معظم ترا بنای آرامگاه سلطان سنجر را از جلوه بیاندازد و آن را به دست فراموشی بسپارد. رشیدالدین فضل الله، وزیر و متولی موقوفات وی، اولین مقلد او بود.^{۳۴} وی در تبریز مجموعه موقوفاتی را به وجود آورد که به بزرگی یک محله شهر بود. اسناد موقوفات که بر روی ۱۹۱ صفحه بزرگ نوشته شده و مربوط به سال ۱۳۰۹م هستند - به خط خود او - تاکنون باقی مانده اند و نگارنده در حال تحقیق بر روی آنهاست.^{۳۵} از «ربع رشیدی»، آن گونه که مجموعه موقوفات به نام واقف آن نامیده می شده است، امروزه تقریباً هیچ چیز باقی نمانده است.^{۳۶} از وجوه تشابه غازان و وزیرش این است که آنها هر دو، در سنین بالا به اسلام گرویده اند. موقوفات عظیم هر دو، وسیله مناسبی بوده است که ایمان مذهبی و علاقه آنها را به اسلام نشان دهد.

مجموعه موقوفاتی با همان عظمت، در طی قرن پانزدهم میلادی در تبریز توسط جهان شاه قراقوینلو و نیز توسط دشمن و جانشین او اوزون حسن آق قوینلو به وجود آمد. نام این موقوفات از بخش هایی از نام واقفان آنها گرفته شده است: مظفریه (به نام ابو مظفر = جهان شاه) و نصریه (به نام ابونصر = اوزون حسن). امروزه از مظفریه یک سند وقف غنی و جالب توجه باقی مانده است. از مجموعه بناها در حال حاضر فقط بقایای مخروبه مسجد کبود جهان شاه باقی است. در این مکان ما با مجموعه ای از بناهای وقفی قابل مقایسه با یکدیگر سروکار داریم که همه در محدوده آرامگاه وقف کننده به صورت یک مجموعه درآمد و همه آشکارا شبیه آرامگاه های مذهبی ساخته شده اند البته بدون آنکه پایداری موقوفات آرامگاه های مذهبی در طی زمان، در مورد آنها نیز صدق کند.



در قم، تربت پاکان، ۲ جلد، قم ۱۳۵۵ هـ در اینجا به جلد اول، زیر نویس ص ۱۲۶.

۱۴. در مجله فرهنگ ایران زمین تا کنون تعداد زیادی اسناد وقف به چاپ رسیده است مثلاً: «جامع الخیرات» به تصحیح محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، ش ۹، ۱۳۴۰ هـ، صص ۶۸-۲۷۷؛ «کتابچه موقوفات یزد»، به تصحیح ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، ش ۱۰ (۱۳۴۱ هـ) و نیز در شماره های سال های ۴، ۵، ۱۱، ۱۹. محمدتقی دانش پژوه تعداد زیادی وقف نامه در مجله معارف اسلامی (شماره های ۱، ۴، ۸، ۱۰، ۱۳) و نامه آستان قدس (سال های ۸ و ۹) منتشر کرده است. در اینجا برای احتراز از طولانی شدن مطلب فقط تعداد کمی از آنها ذکر شده اند. با استفاده از کتاب نامه ها می توان تا حدودی دید کاملی در این باره به دست آورد.

مثلاً فهرست مقالات فارسی، به کوشش ایرج افشار، ج ۱ و ۲، تهران ۱۳۴۰ هـ، ج ۳، تهران ۱۳۵۸ هـ و نیز Iranica Abstracta

Tehran 1978 ff.

۱۵. سپینا، عبدالحسین، تاریخچه اوقاف اصفهان، اصفهان ۱۳۴۶ هـ.

۱۶. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، اصفهان ۱۳۴۴ هـ.
۱۷. از آستارا تا استرآباد، تهران، ۱۳۵۴ هـ، ج ۶، صص ۲۵۹-۴۲۱ و ج ۷، صص ۴۸۷-۵۶۲.

۱۸. تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری، تهران، ۱۳۵۲ هـ.
۱۹. افشار، ایرج، یادگارهای یزد، ۲ جلد، تهران، ج ۱، ۱۳۴۸ هـ، ج ۲، ۱۳۵۴ هـ؛ ش: جعفری، جعفر بن محمد بن حسن، تاریخ یزد، تهران ۱۳۴۴ هـ؛ ش: الکاتب، احمد بن حسین بن علی، تاریخ جدید یزد، تهران ۱۳۴۵ هـ؛ ش: مفید، محمد، جامع مفیدی، تهران ۱۳۴۲ هـ؛ ش: باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، گنج علی خان، تهران ۱۳۶۲ هـ؛ تاریخ شاهی قراختیایان، تهران، ۱۳۵۵ هـ.

20. "Landed Property and its Administraton", idrarat and auqaf. Continuity and Change in Medieval Persia. Albany 1988 (=Columbia Lectures on Iranian Studies, 2); Awqaf in Persia: 7th/ 13th to 8th/ 14th Centuries (زیر چاپ).

۲۱. نگاه کنید به اشعار شمس الدین کاشانی درباره موقوفات ایلخان غازان در تبریز، که در آنها حتی به تاریخ بنائیز می پردازد و اشعار، اوحدی مراغه ای و کمال خجندی درباره «ربع رشیدی» در همان جا؛ مشکور، محمد جواد، همان، صص ۴۷۶-۴۷۸ و ۵۶۱-۵۶۲.

۲۲. این اشعار متعلق به مثنوی «پوری بهاجامی» شاعر هستند. تصحیح، ترجمه و تفسیر از بیرگیت هوفمان نگاه کنید به: Hoffmann,

Birgit, "Von falschen Asketen und "unfrommen" Stiftungen", Proceedings of the first European Conference Conference of Iranian Studies, Turin 1987 (زیر چاپ).

۲۳. آرامگاه هشتمین امام شیعیان دوازده امامی، (حضرت اعلی این موسی الرضا (ع) نیز سرنوشت مشابهی دارد. مشهد در خراسان در شمال شرقی ایران، در نزدیکی توس، به سرعت مهم تر از توس شد (مشهد یاد واقع مشهد توس به معنای محل شهادت، در نزدیکی توس است)، و با حمایت و پشتیبانی سلاطین صفوی (حک: ۱۵۰۱-۱۷۲۲) و

Morgan, David, "Medieval Persia 1040-1797", London-New York. 1988; Roemer, Hans Robert, "Persien auf dem Weg in die Neuzeit. Iranische Geschichte 1350-1750", Beirut 1989, The Cambridge History of Iran, Bdd. 4, 5, 6; Fragner, Bert G., "Historische Wurzeln neuzeitlicher iranischer Identitat: zur Geschichte des politischen Begriffs "Iran" im spaten Mittelalter und in der Neuzeit", Studia Semitica necnon iranica, Rudolpho Macuch Septuagenario ab amicis et discipulis dedicata, edd. M. Macuch, Ch. Muller-Kessler, B. Fragner, Wiesbaden, 1989, pp. 79-100.
۹. این نکته مثلاً در تعداد نسبتاً ناچیز اسناد حکمرانان که باقی مانده و منتشر شده نمود می یابد. برای دوره زمانی از حدود ۱۲۰۰ تا ۱۸۴۸ میلادی فقط ۸۶۸ سند باقی مانده اند. نگاه کنید به: Fragner, Bert G., "Repertorium Persischer Herrscherurkunden. Publizierte Originalurkunden (bis 1848)", Freiburg 1980; Afshar, Iraj, "Neuere Archivstudien in Iran, Übersicht und Bibliographie", Die islamische Welt zwischen Mittelalter und Neuzeit. Festschrift für Hans Robert Roemer zum 65. Geburtstag, edd. Peter Bachmann und Ulrich Haarmann, Beirut 1979 (=Beiruter Texte und Studien, 22), pp. 20-34.

۱۰. در فتح شهر اصفهان، پایتخت صفویان توسط افغانان در سال ۱۷۲۲، فهرست هایی که در آنها اسناد وقفی درج شده بود طعمه آتش شدند. نگاه کنید به: Lambton, Ann K. S., "Landlord and Peasant in Persia, London 1953, p. 132.

۱۱. در زمان حکومت محمود افغان (۱۷۲۲-۱۷۲۵ میلادی) به اسناد مالیاتی موجود در دیوانها به زاینده رود که در وسط اصفهان جاری است ریخته می شد. نادرشاه، کلیه موقوفات را به نفع خویش مصادره کرد.

به این ترتیب فهرست های اوقاف قدیمی دیگر اعتبار نداشتند. نگاه کنید به: Lambton, Ann K. S., "The Tribal Resurgence and The Decline of Bureaucracy in the Eighteenth Century", Studies in Eighteenth century Islamic History, edd. Thomas Naff and Roger Owen. Carbondale- Edwardsville 1977, p. 111 f. sowie 127.

یکی از حکام فاجاری اصفهان در آغاز قرن ۱۹ میلادی مقدار زیادی از مواد و اسناد آرشیمی را برای برافروختن یک آتش بازی مصرف کرده است. نگاه کنید به: Hoffmann; Birgit, "Persische Geschichte: 1694-1835 erlebt, erinnert und erfunden. Dus Rustam at-tawarih in deutscher Bearbeitung, Berlin, 1985, p. 43 f.

۱۲. در اینجا مثلاً اسناد اوقاف حکمران ترکمن، جهان شاه قراقویونلو (متوفای ۱۴۶۷ م) در ۳۶۳ صفحه ضخیم به وزن ۶ کیلوگرم با تزیینات باشکوه در مسجد کیود تبریز که به دستور او ساخته شده، نگهداری می شد. از این سند تا کنون فقط نقل قول هایی شده است. نگاه کنید به: مشکور، محمد جواد، «تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری»، تبریز ۱۳۵۳ هـ، صص ۶۵۳-۶۷۷.

۱۳. مقایسه کنید با اطلاعات داده شده توسط حسین مدرسی طباطبایی درباره موقوفات متعلق به بقعه مقدس حضرت فاطمه (س)

۳۰. مشکور، محمدجواد، همان، ص ۴۷۲ و ۴۷۵.

۳۱. مشکور، محمدجواد، همان، ص ۴۷۹.

۳۲. ابن بطوطه از آرامگاه غازان در ۱۳۲۶ میلادی دیدن کرده است. حمدالله مستوفی این بنا را منحصر به فرد برای کل ایران دانسته است. اولیا چلبی این بنا را با گالاتا مقایسه می کند، برای غازان دعای کند و از خرابی های این بنا که در زلزله به وجود آمده اظهار نارضایتی می کند. وی همچنین گزارش می دهد که آرامگاه مورد احترام فراوان است و زائران زیادی دارد. در این باره نگاه کنید به: مشکور، همان، صص ۴۸۷-۴۸۹.

۳۳. مشکور، همان، صص ۴۸۹-۴۹۱.

۳۴. درباره شرح حال او نگاه کنید به:

Van Ess, Josef, "Der Wesir und Seine Gelehrten", Wiesbaden 1981 (Abhandlungen für die Kunde des Morgenlandes 45), pp. 1-11.

۳۵. فضل الله، رشیدالدین، «وقفیة ربع رشیدی»، به تصحیح ایرج افشار و مجتبی مینوی اعکس نسخه خطی به خط واقف، تهران ۱۳۵۰؛ وقف نامه ربع رشیدی، به تصحیح ایرج افشار و مجتبی مینوی تهران ۱۳۵۶؛ برای شرح و متن اسناد نگاه کنید به:

Fragner, Bert G., "Zu einem Autograph des Mongolenwesirs Rasid ad-Din Fazlallah, der Stiftungsurkunde für das Tabrizzer Gelehrtenviertel Rab^e-i Rashidi", Festgabe deutscher Iranisten zur 2500-Jahrfeier Iran, Stuttgart 1971.

36. Blair, Sheila S., "Ilkhanid Architecture and Society: An Analysis of the Endowment Deed of the Rab^e-i Rashidi", Iran 22(1984), pp. 67-90.

نادر شاه (متوفای ۱۴۴۷م) به یکی از بزرگترین مراکز مذهبی و زیارتی در ایران تبدیل شد.

24. "Waqf at Balkh", Unpublished PhD dissertation Princeton 1973.

همچنین یک سخنرانی منتشر نشده در این باره از همان نویسنده وجود دارد تحت عنوان: "Waqf and The Economy and Administration of The Shrine of Ali b. Abi Talib at Mazar-i Sharif in the Late 19th Century".

۲۵. تربت پاکان، ۲ جلد، قم ۱۳۵۷ هـ ش؛ «فرمان های امرای ترکمان در تفویض تولیت آستانه قم»، فرهنگ ایران زمین، ش ۱۹، ۱۳۵۲ هـ ش، صص ۱۱۸-۱۳۵.

۲۶. نگاه کنید به: Fragner, Bert G., "Ardabil zwischen Sultan und Schah", Zehn Urkunden Schah Tahmasps II, Turcica 6, pp. 117-225; Fragner, "Das Ardabil Heiligtum in den Urkunden", Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes 67, 1975, pp. 169-215;

هدایتی، محمد علی، آستانه ری، مجموعه اسناد و فرامین، تهران ۱۳۴۴ هـ ش.

27. Waqf and Public Policy: "The Waqfs of Shah 'Abbas, 1011-1023/1602-1614", Asian and African Studies 15, 1981 pp. 165-190.

۲۸. جزئیات دقیق در: تحریر تاریخ و صاف، به تصحیح عبدالمحمد آیتی، تهران ۱۳۴۶.

29. "Geschichte Gazan-Han aus dem Tarih-i-mubarak-i Gazani des Rasid al-Din Fadlallah b. 'Imad al-Daula Abul-Hair", ed. Karl Jahn, London 1940, pp. 207-217 ed. Bahman